# ۹۵۰۲۱۹-۷۵۲

**یک‌شنبه – جلسۀ ۱۲۶**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مصدود بود.

عرض کردیم مصدود طبق نصوص واجب است ذبح بکند و دلیل آن غیر از آیه شریفه فان احصرتم فما استیسر من الهدی، موثقه زاره هست که المصدود یذبح حیث صد. و لذا مناقشه در آن کما ناقش فیه صاحب السرائر و الفاضل النراقی فی مستنده، درست نیست.

بحث در این بود که در صد از عمره تمتع آیا اگر متمکن بود از ادراک موقفین وظیفه‌اش مبدل می‌شود به حج افراد کما علیه السید السیستانی؟ یا نه؟ این احکام مصدود را می‌تواند بار کند. ما استظهارمان این بود که عرف به این شخص مصدود می‌گوید و دلیل مصدود اطلاق دارد این فرض را می‌گیرد و تعارضی هم با ادله تبدل عمره تمتع به حج افراد در فرضی که فوت بشود عمره تمتع، ندارد؛ چون ادله تبدل عمره تمتع به حج افراد بعد از فعلیت فوت عمره تمتع است. یعنی بعد از این‌که زمان گذشت و ما درک نکردیم عمره تمتع را و احرام‌مان باقی بود، می‌گویند حجت حج افراد می‌شود. اما ما با ادله مصدود کاری می‌کنیم که قبل از فوت زمان عمره تمتع از احرام خارج می‌شویم.

[سؤال: ... جواب:] دلیل مصدود اضیق است. در خصوص این شخصی که هنوز وقت عمره تمتع نگذشته ولی نمی‌گذارند وارد مکه بشود برای عمره تمتع، المصدود یذبح حیث صد، شاملش می‌شود. ولی هنوز آن دلیل من لم یدرک عمرة التمتع کان مفردا، شاملش نمی‌شود؛ چون معیار من لم یدرک عمرة التمتع کان مفردا للحج، زمانی است که بالفعل وقت عمره تمتع بگذرد و این آقا درک نکند عمره تمتع را ولی بتواند وقوفین را درک کند می‌گویند کان حجه حجا حج افراد. اما فرض این است: مصدود از عمره تمتع هنوز وقت برای عمره تمتع هست نمی‌گذارند این داخل بشود در مکه، الان خطاب تبدل عمره تمتع او به حج افراد شاملش نمی‌شود و لذا دلیل مصدود شاملش می‌شود بلامعارض.

ما می‌گوییم الان می‌تواند با اجرا احکام مصدود از احرام خودش را خارج کند. و لکن بر خلاف فرمایش آقای خوئی که ظاهرش این است که این آقا وظیفه تعیینیه‌اش اجراء احکام مصدود است ما می‌گوییم نه؛ می‌تواند صبر کند تا وقت عمره تمتع بگذرد، بعد که آزادش گذاشتند برود به وقوفین، محرمی است برای عمره تمتع که درک نکرد عمره تمتع را، تبدل احرامه الی احرام حج الافراد. اما قبل از این مرحله طبق ا طلاقات دلیل مصدود می‌تواند خودش را از احرام عمره تمتع برهاند.

یک مطلبی هم عرض کنیم، از این بحث بگذریم.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی فرمودند ظاهر المصدود یذبح حیث عزیمت است وجوب تعیینی دارد. ولی ما این را خلاف ظاهر می‌دانیم. ما استظهارمان این است که مصدود یذبح حیث یعنی اگر می‌خواهد از احرام خارج بشود راهش این است که ذبح کند حیث صد. اما اگر نمی‌خواهد از احرام خارج بشود، صبر می‌کند تا روز عرفه، راه را که باز کردند برود به عرفات به عنوان حج افراد.

نکته ای که باقی مانده این است که اگر کسی مصدود شد از عمره تمتع در اول ذیحجه مثلا، ما قبول داریم که اگر در روز عرفه هم بگذارند برای عمره تمتع وارد مکه بشود این عرفا مصدود نیست. عرف به این نمی‌گوید مصدود. فرق می‌کند با مثالی که آقای زنجانی می‌زدند که کسی مصدود است از عمره مفرده تا یازده ماه، محرم شد برای عمره مفرده گفتند برو یازده ماه دیگر بیا، در خدمتت هستیم. آقای زنجانی می‌فرمود اگر به حرج نمی‌افتی لاشخصا و لا نوعا تو مصدود از عمره مفرده نیستی.

ما آنجا مناقشه می‌کردیم می‌گفتیم نه همین که عرفا باید از این سفر برگردد برود بعد از مدت مدیدی بخواهد برگردد به همین می‌گویند صد عن العمرة. ظهور عرفیش این است و لو به حرج نیفتد لاشخصا و لانوعا. ظاهر مصدود این است که عرفا در این سفر مصدود شد، به نحوی که برگردد به وطنش و بخواهد دو مرتبه بیاید این مستلزم مشقت نوعیه است. همین کافی است در صدق این‌که هذا مصدود و لو یازده ماه دیگر می‌تواند برگردد و اعمال عمره مفرده را بجا بیاورد و فرض کنیم هیچ حرج شخصی و نوعی نیست. ما گفتیم عرفا مصدود است.

و الا صرف حرج که کافی نیست برای صدق مصدود.آقا! من محرم شدم برای عمره مفرده، فرض کنید رسیدم جده، با نذر، بالاخره محرم شدم برای عمره مفرده از میقات یا از هر کجا که صحیح است آمدم جده می‌گویند چهل و هشت ساعت باید صبر کنی در فرودگاه جده، ترافیک است راه باز بشود برای رفتن شما، برای من چهل و هشت ساعت در فرودگاه جده ماندن، این گرمای شرجی جده حرجی است. آقای زنجانی ملتزم می‌شوند که انت مصدود عن العمرة؟ کی عرف صادق می‌کند که این مصدود است از عمره؟ ایشان فرمود معیار صد در عمره مفرده این است که یا یک سال یا به حدی که به حرج شخصی و نوعی مبتلا بشود از بقاء احرام.

[سؤال: ... جواب:] این را شما دارید اضافه می‌کنید. در پاورقی مناسک محشی مراجعه کنید همچون مطلبی ندارند که می‌فرمایید باید عرفا هم صد صدق کند. اگر ملاک صدق عرفی صد است پس چرا قید می‌زنید؟ هر کجا صد صدق می‌کند.

پس ما قبول داریم صدر در عمره تمتع این ظاهر عرفیش این است که تا آخر وقت مصدود بشود از عمره تمتع.

[سؤال: ... جواب:] در این فرض‌های متعارف این‌طور است و لو به حرج هم می‌افتد. اول ذیحجه آمده مکه محرم به عمره تمتع شده گفتند چند روز باید صبر کنیم بعد بگذاری بروی مکه و این هم به حرج می‌افتد این عرفا مصدود نیست. این مصدود نیست عرفا. اما ما این عرفا می‌گوییم مصدود نیست؛ ما معتقدیم در صدق مصدود عرفی بودن تنها حرجی بودن بقاء بر احرام کافی نیست. باید عرف بگوید این از رفتن به مکه برای اداء اعمال مصدود شده. و این تابع صدق عرفی است. صرف وقوع در حرج کافی نیست.

و لذا ما اشکال مان دیروز به آقای زنجانی این بود که می‌گفتیم در عمره مفرده چرا شرط می‌کنید تا یک سال نتواند برگردد؟ یا این‌که از بقائش بر احرام به حرج شخصی یا نوعی مبتلا بشود؟ نخیر. صدق مصدود شدن از عمره مفرده به نظر عرف است. و همین نظر عرف در عمره تمتع، در فرض‌های متعارف باید تا آخر وقت مصدود باشی از عمره تمتع. یا در مصدود از حج تا آخر مصدود باشی از حج. جهتش این است که عمره تمتع و حج وقت دارد؛ زمان دارد. چون زمان دارد ما فکر کردیم دیدیم چون عمره تمتع زمان دارد و تمکن عرفی اگر دارد این شخص از این‌که در این سفر عرفی بماند تا راه باز بشود و برای اداء عمره تمتع به مکه برسد یا برای اداء اعمال حج به مشاهد مشرفه برسد این عرفا مصدود از عمره تمتع نیست.

بله، حالا که فرض‌های غیر متعارفی اگر بکنیم که اول شوال آمد و محرم شد به عمره تمتع و اگر بخواهد بیرون مکه بماند عرفا میسور نیست اگر بخواهد برگردد به وطنش و دو مرتبه رجوع کند به مکه این هم عرفا میسور نیست، این فرض‌هایی که غیر متعارف هست، ممکن است در صدق مصدود عن العمرة دخیل باشد، اما در فرض‌های متعارف و لو به حرج بیفتد از بقاء بر احرام، چهل و هشت ساعت در مطار جده او را معطل می‌کنند و به حرج می‌افتد از گرمای شدید اما این کافی نیست در صدق این‌که هذا مصدود عن عمرة التمتع یا هذا مصدود عن الحج. و لذا باید این عنوان صدق کند.

حالا که در صدق این عنوان دخیل شد در فرض‌های متعارف، بقاء صد تا آخر وقت، اگر شک بکند، الان اول ذیحجه است، راه بسته است، نمی‌گذارند این ‌آقا وارد مکه بشود برای اعمال عمره تمتع، آیا می‌تواند با استصحاب بقاء صد تا آخر وقت بگوید من مصدود هستم، یذبح حیث صد، بر می‌گردد به وطنش. مقتضای مبانی آقای خوئی این است که می‌تواند استصحاب استقبالی کند.

آقای زنجانی در تعلیقه مناسک محشی که امام فرمودند و لو یقین ندارد به بقاء صد تا آخر وقت، اما همین که احتمال می‌دهد مصدود بودنش ادامه پیدا کند جایز است احکام مصدود را بار کند، آقای زنجانی پاورقی زدند که باید اطمینان پیدا کند به استمرار صد تا آخر وقت.

این تعلیقه آقای زنجانی تعلیقه بجایی است. آن استصحاب استقبالی را ما قبلا مناقشه کردیم در اینگونه موارد.

وجه فرمایش امام برای ما روشن نیست که آیا ایشان استصحاب استقبالی را قبول دارند یا نه؛ اصلا حکم واقعی می‌دانند؟ المصدود یذبح حیث صد می‌گویند شامل می‌شود واقعا این شخص را. همین که الان مصدود است و احتمال می‌دهد تا آخر وقت مصدود بماند اصلا فی علم الله مشمول المصدود یذبح حیث صد هست.

[سؤال: ... جواب:] کلام در این است که کدام روایت در فرضی وارد شده که احتمال می‌دهد صد هر لحظه شکسته بشود؟ ... مصدود عرفا باید صدق کند. مصدود آنی است که تا آخر وقت عمره تمتع مصدود است از عمره تمتع. ... اگر علم عرفی ندارد به استمرار صد تا آخر وقت می‌گوید من نمی‌دانم مصدود هستم از عمره تمتع قبل از ظهر روز عرفه یا مصدود نیستم. شاید مصدود نباشم. مگر شما استصحاب استقبالی را قبول کنید که نظر آقای خوئی بود. حالا نمی‌دانم امام استصحاب استقبالی کردند یا تمسک کردند به اطلاق المصدود یذبح حیث صد. کانه اگر این مصدود بداند صد بر طرف می‌شود انصراف دارد دلیلش. اما اگر احتمال می‌دهد صد باقی است تا آخر وقت اطلاق المصدود یذبح حیث صد شاملش می‌شود.

این هم به نظر ما خلاف ظاهر است. انصراف دارد المصدود یذبح حیث به مصدود تا آخر وقت. اگر استصحاب استقبالی هم که به نظر آقای خوئی جاری است جاری بکنیم کشف خلاف بشود معلوم می‌شود که آن تحللش فی غیر محله بوده. اگر بیایند به او بگویند آقا! گوسفند سر بریدی سرت را تراشیدی از احرام خارج شدی الان خبر دادند که راه را باز کردند، از نظر آقای خوئی کشف خلاف شده و سریع لباس احرام را می‌پوشد و می‌رود برای اعمال چون استصحاب حکم ظاهری است. ولی با فرمایش امام اگر حکم واقعی بگیریم فرمایش امام را که ممکن است کسی بگوید اطلاق فرمایش کلام ایشان هم اقتضاء می‌کند حکم واقعی باشد چون نفرمودد اگر بعدا کشف خلاف شد می‌فهمد که اشتباه کرده و احکام مصدود را اشتباها جاری کرده. همچون چیزی امام نفرمود. کانه حکم واقعی این شخص است که یذبح حیث صد. اگر حکم واقعی باشد کشف خلاف معنا ندارد.

[سؤال: ... جواب:] اگر استصحاب استقبالی را مثل آقای خوئی جاری بکنیم بعد از کشف خلاف می‌فهمد که این تحللش فی غیر محله بوده و آن احرامش منعقد شده بوده. سریع لباس احرام می‌پوشد و می‌رود مکه برای اعمال عمره تمتع. ... نیاز به تجدید احرام نیست چون تحللش باطل بود؛ احرام اولش صحیح بود. کشف شد فی علم الله مصدود نیست. کسانی مثل آقای خوئی می‌گویند عرفا المصدد یذبح حیث صد یعنی المصدود الی آخر وقت عمرة التمتع، المصدود عن عمرة التمتع الی آخر وقت عمرة التمتع. هذا مصدود عن عمرة التمتع فعلا. استصحاب می‌کنیم یبقی صده الی آخر الوقت، اثبات می‌کنیم که این موضوع است برای یذبح حیث صد.

اما اشکال ما همین است که می‌گوییم المصدود ممکن است معنایش این باشد که کسی که ممنوع است از صرف الوجود عمره تمتع و صرف الوجود عمره تمتع، در آخر وقت هم ممکن است محقق بشود. پس از کجا من ممنوع هستم از صرف الوجود عمره تمتع؟ اگر فی علم الله روز عرفه باز بکنند در ورودی مکه را بگویند برو مکه برای اعمال عمره تمتع کشف می‌شود که من ممنوع نبودم از صرف الوجود عمره تمتع قبل از ظهر روز عرفه.

[سؤال: ... جواب:] اطلاق مقامی ندارد. خیلی از این مصدودها اطمینان دارند که دیگر کاری نمی‌توانند بکنند مصدود می‌مانند. ... حضرت فرمود المصدود هر کجا مصدود صدق بکند. شما احتمال عرفی می‌دهید که این مامورین شب بروند منزل شان، شب راه باز می‌شود، این‌ها احراز نمی‌کنید که مصدود هستید. حالا روز است، مامورند، پلیس است نگهبانی می‌دهد. شب که شد ممکن است این‌ها بروند دنبال کارشان، پلیس بعدی هم نیامده راحت بشود عبور کرد از این محل ورودی مکه. احتمال بدهید شب بتوانی عبور کنی احراز نمی‌کنید مصدود هستید. وقتی احراز نمی‌کنید مصدود هستید چه اطلاق مقامی دارد این روایت که شما همین که حادث شد مصدود شدن و لو علم به بقاء این مصدود بودن تا آخر وقت ندارید می‌توانید احکام مصدود را بار کنید همچون اطلاق مقامی برای ما ثابت نیست.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی استصحاب استقبالی جاری کرده چون می‌گوید هذا مصدود عن العمرة فعلا ولی موضوع یذبح حیث صد مصدود الی آخر الوقت را می‌گوید. با استصحاب می‌گوییم هذا مصدود الی آخر الوقت. استصحاب می‌کنیم بقاء صد را. اما از نظر ما بله؛ شک داریم در حدوث صد چون صد یعنی صد از صرف الوجود عمرة التمتع و این مشکوک الحدوث است. ... عنوان! اگر شما بگویید الان ممنوعم از عمره تمتع خب امروز ممنوعم. ... ما علت این‌که می‌گوییم مصدود ظاهرش یعنی مصدود الی آخر الوقت در مثل عمره تمتع که وقت دارد یا حج که وقت دارد، چون می‌گوییم مصدود یعنی مصدود عن صرف الوجود عمره تمتع تا آخر وقت. و لذا شک داریم در تحقق این عنوان. و لذا استصحاب استقبالی جاری نمی‌کنیم چون شک در حدوث داریم.

خلاصه عرض ما در این مسئله این شد. ما در مثل عمره تمتع و حج که وقت دارد، در فرض‌های متعارف معتقدیم لایتحقق الصد الا بالعجز و المنع عن صرف وجود الواجب. البته انکار نمی‌کنیم این فرض غیر متعارفی را که مثلا اول شوال محرم شد به عمره تمتع، ممنوع شد از ورود در مکه تا دو ماه دیگر، بخواهد آنجا بماند عرفا میسور نیست، بخواهد برگردد وطنش دو مرتبه بیاید این هم عرفا میسور نیست. اینجا را ما منکر صدق مصدود نیستیم. در فرض‌های متعارف می‌گوییم صد عن عمرة التمتع شرطش استمرار صد است تا آخر وقت.

مطلب دیگر این است که نسبت داده شده به ابی الصلاح حلبی...

[سؤال: ... جواب:] اما در عمره مفرده می‌فرمایید که وقت ندارد؟ نه؛ او تابع صدق عرفی است که توضیح دادیم. یک سال مصدود شدن که آقای زنجانی می‌فرمود هیچ دلیلی ندارد. نمی‌دانم ایشان دلیل شان چیه؟ ... پیامبر مصدود شد از عمره حدیبیه، یک سال بعد عمرة القضاء بجا آورد. اما این دلیل نمی‌شود که حالا پیغمبر بین عمره حدیبیه که مصدود شد و عمرة القضاء را که سال بعد بجا آورده یک سال فاصله شده ما بگوییم شرط صدق مصدود این است که تا یک سال مصدود باشد از عمره. شاید مورد پیغمبر موردی بود که عرفا صدق می‌کرد مصدود در... به قول ایشان به حرج شخصی یا حرج نوعی مبتلا می‌شد پیامبر. ما حالا عرض مان این است که به کمتر از این هم عرفا می‌گویند مصدود از عمره مفرده. تابع صدق عرفی هست.

به ابوالصلاح حلبی نسبت داده شده که ایشان فرموده اند که مصدود در درجه اول باید اگر می‌تواند بعث بکند قربانی را به مکه. مثل محصور. چطور در محصور گفتند واجب است و المحصور یبعث بهدیه، واجب است قربانی خودش را بفرستد یا پول قربانی را بفرستد به محلش که محل قربانی در عمره مفرده و عمره تمتع مکه است، و محل قربانی در حج، منی است در ایام قربانی که در موثقه سماعه دارد و محله منی یوم النحر، ابوالصلاح حلبی گفته که مصدود هم همین‌طور است. در درجه اول باید اگر می‌تواند قربانی یا پول قربانی را بفرستد مکه یا منی. چون قرآن می‌گوید فان احصرتم فما استیسر من الهدی و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله.

آقای خوئی فرموده که آقا! اجتهاد در مقابل نص که نمی‌شود. آیه اطلاق دارد ولی اطلاق آیه تقیید خورده به روایات. ایشان استدلال کرده اولا به فعل پیامبر در صلح حدیبیه که پیامبر ذبح فی مکان الصد. این استدلال که ناتمام است. چرا؟ برای این‌که در محصور هم امام حسین علیه السلام وقتی بیمار شدند در سقیا که در نزدیکی مدینه است، امیر المؤمنین تشریف آوردند در آن مکان و امر فرمودند به نحر یک شتر در همان مکان. قضیة فی واقعة. خب پیامبر هم قضیة واقعة. چطور در مورد محصور شما به خاطر این روایت امام حسین علیه السلام به جواز ذبح محصور حیث احصر، این در فرض در عدم تمکن از فرستادن هدی است به محلش که مکه است یا منی است، فعل پیامبر هم قضیة فی واقعة. شاید همه قضیة فی واقعیة باشد. نه پیغمبر می‌توانست آن شترها را بفرستد مکه نه مسلمان‌ها. توسط کی بفرستند؟ توسط مشرکین قریش؟

آقای خوئی استدلال دومی که کرده به موثقه زراره استدلال کرده که المصدود یذبح حیث صد.

انصاف این است که این موثقه زراره دلالتش تمام است. المصدود یذبح حیث صد و المحصور یبعث بهدیه.

بحث در این است که آیا از این موثقه زراره وجوب تعیینی استفاده می‌شود یا نه؛ وجوب تخییری؟

صاحب جواهر فرموده که به نظر ما وجوب تخییری. مخیر است مصدود بین این‌که این قربانی را در همین مکان صد ذبح کند و یا این‌که بفرستد قربانی را مکه.

مرحوم نائینی هم فرموده فرمایش خوبی است این فرمایش صاحب جواهر. ظهور ندارد المصدود یذبح حیث صد در وجوب تعیینی.

آقای خوئی فرموه که چرا؟ چرا امر ظهور ندارد در وجوب تعیینی؟ عجب! المحصور یبعث بهدیه وجوب تعیینی دارد که ذیل موثقه زراره است، اما صدرش که می‌گوید المصدود یذبح حیث صد ظهور ندارد در وجوب تعیینی. می‌گویید توهم حظر است. وجهی ندارد. چرا توهم حظر؟ جاهل بود مصدود به وظیفه‌اش که چکار باید بکند. امام فرمود که وظیفه تو این است که در مکان صد باید ذبح بکنی کما این‌که وظیفه محصور این است که بفرستد قربانی را به محل قربانی که مکه یا منی است.

و اگر می‌گویید این المصدود یذبح حیث صد ظهور در وجوب ندارد چون در مقام توهم حظر است، پس چرا می‌گویید مخیر است بین این دو؟ نخیر؛ جایز است که هر کجا که خواست ذبح کند. دلیل نداریم بر تعین ذبح یا در مکان صد یا در مکان مکه. دلیلش همین المصدود یذبح حیث صد است. اگر این هم در مقام توهم حظر باشد ظهور در وجوب نداشه باشد، ملتزم می‌شویم هر کجا خواستی می‌توانی در فرض مصدود شدن ذبح کنی.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی فرمود اگر این ظهور دارد در وجوب تعیینی که ما می‌گوییم، فهو. اگر می‌گویید در مقام توهم حظر است ظهور در وجوب ندارد پس منحصر نکنید تخییر را بین ذبح فی مکان الصد و بعث الهدی الی محله. نه؛ اصل ذبح واجب، اما دلیل بر تعیین مکان برای ذبح مصدود نداریم. هر کجا که خواست می‌تواتد ذبح کند. کما این‌که منسوب به شهید اول همین است.

این فرمایش آقای خوئی بن نظر ما ناتمام است. اولا: با مبنایی که ایشان اختیار کرد گفت آیه فان احصرتم فما استیسر من الهدی و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله، شأن نزولش مصدود شدن پیامبر است در حدیبیه که ایشان اتفاق مفسرین را نقل کرد و خودش هم اختیار کرد این معنا را، خب مصدود می‌شود قدر متیقن در مقام تخاطب که شأن نزول این آیه است. مگر می‌شود قدر متیقن در مقام تخاطب را از دلیل خارج کرد؟ دلیل می‌گوید و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله. شأن نزولش هم مصدود است. بعد بگوییم نخیر؛ مصدود وظیفه تعیینی‌اش ذبح فی مکان الصد است.

ما اگر قائل بشویم به تخییر، این اخراج قدر متیقن از او لازم نمی‌آید. چرا؟ برای این‌که ما به آیه عمل می‌کنیم. می‌گوییم اگر فرستاد مصدود این قربانی را به مکه، و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله. اگر قربانی را در مکان صد قربانی کرد او هم جایز است. با تخییر می‌سازد این آیه. قدر متیقن در مقام تخاطب و لو مصدود است طبق نظر مرحوم آقای خوئی وفاقا للمفسرین. ولی حمل بر تخییر اخراج قدر متیقن در مقام تخاطب نیست چون یک او اضافه می‌کنیم به آیه. می‌گوییم یا بعث هدی بکنید و در فرض بعث هدی حق ندارید حلق رأس کنید قبل از وصول هدی الی مکه. و یا در فرض مصدود شدن ذبح و حلق بکنید در مکان صد. اما مورد آیه را اخراج نکردیم از آیه. اطلاق آیه را تقیید زدیم.

این مثل این می‌ماند که بگویند راجع به زید چه می‌فرمایید؟ مولی بگوید اکرم کل عالم ما در مورد زید بیاییم بگوییم إما ان تکرمه او مثلا تعطیه مالا. اطعم کل عالم. می‌گوییم إما ان تطعمه زید را یا اطعام کن یا پول برایش بفرست. این اشکال ندارد. اما اگر بگوییم مولی راجع به زید یک کبرایی گفت، گفت اطعم کل عالم بعد بگوییم اصلا اطعام زید مشروع نیست. حتما باید پول بفرستیم به زید. این اخراج قدر متیقن در مقام تخاطب می‌شود از خطاب.

البته ممکن است شما اشکال کنید؛ بگویید حالا آقای خوئی فرمود شأن نزول این آیه صلح حدیبیه است، ما که این را نفهمیدیم، علامه طباطبایی هم دارند که این آیه در مکه نازل شده نه در صلح حدیبیه، در حجة الوداع نازل شده. و لذا این اشکال اول ما به آقای خوئی مبنایی است.

اشکال دوم به ایشان: انصاف این است که عرف از خطاب المصدود یذبح حیث صد، وجوب تعیینی به لحاظ آن فرد افضل که بعث الهدی است الی مکة، وجوب تعیینی به لحاظ این فرد افضل و در مقابل این فرد افضل نمی‌فهمیم. یک وقت فرد افضل نیست، مثلا بگویند علیه شاة یکی بگوید حالا ما مرغ می‌کشیم، ده تا مرغ می‌کشیم، نه؛ این ظهور دارد در این‌که شاة در مقابل مرغ است. اما یکی می‌گوید بجای شاة من می‌آیم شتر می‌کشم، انصافا ظهور ندارد علیه شاة در تعیینیت شاة در مقابل شتر. المصدود یذبح حیث صد ظهور ندارد در تعیینیت ذبح فی مکان الصد نسبت به ما هو افضل عرفا. و هو بعث الهدی الی محله. ولی نسبت به ذبح هدی در یک مکان ثالث، نه، او ظهورش در تعیینیت است.

و لذا مقتضای جمع عرفی بین المصدود یذبح حیث صد با آیه و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله همین است که بگوییم این موثقه زراره بیش از این ظهور ندارد که مشروع است ذبح فی مکان الصد. و عدل درست می‌کند برای بعث الهدی الی محله. می‌گوید یا باید ممنوع من الحج قربانی را به مکه بفرستد یا اگر مصدود است جایز است ذبح کند فی مکان الصد.

و لذا بعید نیست که ما ملتزم بشویم به تخییر وفاقا للمحقق النائینی.

کلام واقع می‌شود در این‌که آیا حلق و یا تقصیر بر مصدود واجب است یا نه، ان شاء الله فردا بررسی می‌کنیم.